پایان‌بندی غیرقابل پذیرش دفاعیات قلعه‌نویی

کلمه «اقتدار» دوباره تعریف شد

گزارش یک

محمد قراگزلو
کارشناس فوتبال

امیر قلعه‌نویی در نقش متکلم وحده بین اعضای کمیته فرهنگی فدراسیون فوتبال توضیحات یا دفاعیاتی درباره عملکرد تیم ملی در جام جهانی ارائه کرد. این اولین اظهارنظرهای سرمربی تیم ملی بعد از بازگشت از رویدادی است که قرار بود با صعود تیم ملی یک هفته کشور تعطیل شود. قلعه‌نویی البته در نشست خبری پرسش و پاسخ شرکت نکرد بلکه در بین اهالی غیرفنی توضیحاتی ارائه کرد که بیشتر حول محور مشکلات مربوط به آماده‌سازی تیم ملی بود. در واقع عمده صحبت‌های سرمربی تیم ملی به مسائل غیرفنی اختصاص داشت ضمن اینکه او تأکید کرد آن‌قدر جرأت دارد که مسئولیت مشکلات فنی را بپذیرد.

البته که در همین جلسه قلعه‌نویی حرف‌هایی زد که جای نقد دارد. مثلاً توضیحش پیرامون ساعت مچی و حاشیه‌هایش غیرقابل پذیرش و عجیب بود یا آنچه به کنایه در مورد کی‌روش و جام جهانی ۲۰۱۴ مطرح کرد شمولیت ندارد و به کلیت فضای رسانه‌ای بعد از آن تورنمنت مربوط نمی‌شود. اینها اما مسائل حاشیه‌ای است و آنچه بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد پایان‌بندی بخش اصلی صحبت‌های اوست. جایی که قلعه‌نویی بعد از برشمردن تمام مشکلات لجستیکی و غیرفنی گفت: اقتدار فوتبال ایران را به دنیا ثابت کردیم.

واقعیت این است که تمام نکات مطرح شده توسط سرمربی تیم ملی در خصوص مشکلات قبل از ورود به جام یا حتی بین مسابقات که ناشی از مسائل سیاسی است خریدار دارد و پذیرفتنی است اما این جمله آخر قلعه‌نویی را نمی‌توانیم بپذیریم مگر اینکه واژه «اقتدار» بازتعریف شده و از نظر سرمربی تیم ملی مفهوم دیگری داشته باشد که ما از آن خبر نداریم. باتوجه به مصاحبه‌های قلعه‌نویی و دستیارانش می‌توان حدس زد که او و گروه فنی‌اش معتقدند با توجه به مشکلات متعددی که آنها بارها درباره‌اش حرف زده‌اند نتایج تیم ملی نشان از اقتدار فوتبال ایران دارد که مقابل این همه معضل و کارشکنی سر خم نکرد و با سربلندی از جام کنار رفت اما اصل قضیه و چیزی که امروز می‌توان درباره‌اش حرف زد، یک حذف دیگر آن هم در جام جهانی ۴۸تیمی، یک ناکامی تکراری برای فوتبال ملی ایران و کنار رفتن از یک تورنمنت بزرگ و جهانی بدون دستاورد فنی است. البته که تاب‌آوری بازیکنان و اعضای کادرفنی تیم ملی مقابل مشکلات و موانعی که مقابل‌شان قرار داده شده بود قابل تحسین است و حتماً باید به آنها اشاره داشت اما تمام این معضلات نمی‌تواند نقایص فنی و نکاتی که طی سه هفته اخیر رسانه‌ها و کارشناسان به آنها اشاره کردند را پنهان کند. در واقع می‌توان گفت آنچه باعث حذف تیم ملی از این جام جهانی شد بیشتر از اینکه در دلایل غیرفنی مستتر باشد وابسته به دلایل فنی است که شاید حتی بخشی از آن تقصیر کادرفنی تیم ملی نباشد و به معضلات و کمبودهای کلی فوتبال‌مان برگردد اما قرار هم نیست نادیده انگاشته شود. سرمربی تیم ملی در جایی از صحبت‌های دیروزش

> با وجود گوش سپردن به دفاعیات قلعه‌نویی و حرف‌هایی که از دل آن می‌توان نکات عجیب و غیرقابل هضمی استخراج کرد همچنان منتظر توضیحات و توجیهات فنی او در خصوص حذف و ناکامی می‌مانیم

گفت مطمئنم کاری که این تیم انجام داد در سال‌های آینده بیشتر مورد توجه قرار خواهد گرفت که این هم از آن حرف‌های عجیب مخصوص شخص امیر قلعه‌نویی است. حرفی که هیچ استدلال روشنی ندارد و یک پیش‌بینی عجیب و بدون پشتوانه در مورد عملکرد فوتبالی تیمی است که همه بازی‌هایش را به‌طور دقیق دیدیم، کیفیت فنی‌اش را نقد کردیم و مشکلاتش کاملاً آشکار بود. با این حساب چیزی نمانده که سال‌ها بعد بخواهیم درباره‌اش صحبت کنیم و اتفاقاً آنچه سال‌ها بعد و نه الان درباره‌اش حرف زده خواهد شد این بود که در جام جهانی ۴۸تیمی هم نتوانستیم جزو ۳۲تیم مرحله دوم باشیم. حالا با وجود گوش سپردن به دفاعیات قلعه‌نویی و حرف‌هایی که از دل آن می‌توان نکات عجیب و غیرقابل هضمی استخراج کرد همچنان منتظر توضیحات و توجیهات فنی او در خصوص حذف و ناکامی می‌مانیم. حوزه‌ای که این بار تمام جوانبش به شخص او و گروه فنی‌اش مربوط می‌شود و قرار نیست دوباره موانع مربوط به آماده‌سازی، ویزا، سفر و... اساس صحبت‌های سرمربی تیم ملی باشد.

ادعای قهرمانی جام جهانی!

تکراری و بدون منطق فوتبالی

مهدی تاج در جلسه دیروز با اعضای کمیته فرهنگی یک حرف تکراری زد. تاج در بخشی از صحبت‌هایش درباره عملکرد تیم ملی گفت: ما ادعا نمی‌کنیم که قهرمان جام جهانی شده‌ایم اما نتایج بدی هم کسب نکردیم. تاج چند روز قبل هم مشابه این حرف را مطرح کرده بود در حالی که مطرح کردن ادعای قهرمانی برای تیمی که از گروهش صعود نکرده از اساس مثال اشتباهی است. در اصل ما هیچ وقت نمی‌توانیم ادعا کنیم که قهرمان شده‌ایم چراکه فقط یک تیم قهرمان می‌شود که بعد از صعود از مرحله گروهی در پنج مسابقه فوق‌العاده دشوار مراحل حذفی هم پیروز شده و بهترین تیم تورنمنت بوده است. با وجود این مسلم است که ما نه‌تنها بهترین تیم تورنمنت نبودیم بلکه به جمع ۳۲تیم مرحله دوم هم نرسیدیم و یکی از ۱۶تیمی بودیم که همان ابتدای راه از دور مسابقات کنار رفتند. با این توضیحات شاید بهتر بود که رئیس فدراسیون فوتبال می‌گفت ادعا نمی‌کنیم که عملکرد فوق‌العاده‌ای داشتیم اما نتایج‌مان بد نبود. در عین حال نکته اینجاست که این «نتایج نه‌چندان بد» در نهایت باعث شد تا تیم ملی از گروهش صعود نکند و در جام جهانی ۴۸تیمی حذف شد تا ناکامی دیگری گریبان فوتبال ایران را بگیرد. نکته‌ای که باید اساس قضاوت و بررسی عملکرد تیم ملی و کادرفنی‌اش باشد.

نیاز ضروری فدراسیون، سازمان لیگ و هیأت فوتبال استان تهران به بنای اختصاصی

ساختمان فوتبال باید فوتبالی طراحی شود

حمیدرضا عرب / خبر آغاز دوباره پروژه احداث ساختمان جدید فدراسیون فوتبال، فارغ از اینکه این بار به نتیجه برسد یا نه، یک نکته مهم را بار دیگر یادآوری می‌کند. فدراسیون فوتبال ایران سال‌ها است به ساختمان‌هایی نیاز دارد که از ابتدا برای فوتبال طراحی شده باشند، نه ساختمان‌هایی که ابتدا با کاربری مسکونی یا اداری محدود ساخته شده و بعدها با چند تغییر داخلی و پارتیشن‌بندی‌های معمول به محل استقرار یک فدراسیون یا سازمان لیگ و حتی هیأت‌های فوتبال تبدیل شده‌اند. واقعیت این است که ساختمان فعلی فدراسیون فوتبال، ساختمان سازمان لیگ و حتی ساختمان هیأت فوتبال استان تهران، هر سه از همین جنس هستند. این ساختمان‌ها در زمان خود خریدهای ارزشمندی محسوب می‌شدند و امروز نیز بخشی از دارایی و سرمایه این مجموعه‌ها به شمار می‌روند. بدون تردید خرید ملک به جای اجاره، اقدامی مثبت و آینده‌نگرانه بوده و ارزش اقتصادی این املاک نیز طی سال‌های گذشته افزایش یافته است.

اما مسأله اصلی چیز دیگری است. این ساختمان‌ها اساساً برای چنین مأموریتی ساخته نشده‌اند. وقتی ساختمانی با کاربری مسکونی یا یک دفتر اداری کوچک طراحی می‌شود، طبیعی است که پاسخگوی نیازهای یک نهاد بزرگ فوتبالی نباشد. در چنین شرایطی معمولاً بعد از خرید ساختمان، دیوارها جابه‌جا می‌شوند، اتاق‌ها تغییر کاربری پیدا می‌کنند، سالن‌ها به چند بخش تقسیم می‌شوند یا برعکس، چند اتاق به یک سالن تبدیل می‌شود. این تغییرات شاید در کوتاه‌مدت مشکل را حل کند، اما هیچ‌گاه جای یک طراحی مهندسی‌شده و تخصصی را نمی‌گیرد.

یک فدراسیون فوتبال، صرفاً مجموعه‌ای از چند اتاق اداری نیست. این مجموعه باید براساس استانداردهای مدیریتی و نیازهای روز طراحی شود. از همان مرحله طراحی نقشه، باید مشخص باشد که محل استقرار رئیس فدراسیون، دبیرکل، نواب رئیس، رؤسای کمیته‌ها، دپارتمان‌های مختلف، واحدهای مالی، حقوقی، روابط عمومی، بین‌الملل، آموزش، داوری و سایر بخش‌ها کجا خواهد بود. اینها باید براساس نیاز و مراجعه‌کنندگان در طبقات تعبیه شوند.

در عین حال سالن جلسات هیأت رئیسه، سالن کنفرانس خبری، سالن همایش، فضاهای آموزشی، اتاق‌های برگزاری کلاس‌های مربیگری و داوری، آرشیو، بخش فناوری اطلاعات و حتی لابی ساختمان باید از ابتدا براساس نیازهای یک مجموعه فوتبالی طراحی شوند، نه‌اینکه بعدها با آزمون و خطا به ساختمان اضافه شوند. همین موضوع درباره سازمان لیگ نیز صدق می‌کند. سازمانی که مسئول برگزاری مسابقات حرفه‌ای کشور است، روزانه میزبان مدیران باشگاه‌ها، نمایندگان رسانه‌ها، داوران، ناظران، بازیکنان، مربیان و ده‌ها مراجعه‌کننده دیگر است. چنین مجموعه‌ای نمی‌تواند در ساختمانی مستقر باشد که برای سکونت یا یک فعالیت اداری محدود ساخته شده است.

هیأت فوتبال استان تهران هم شرایط مشابهی دارد. این هیأت به‌دلیل گستردگی فعالیت‌ها، برگزاری مسابقات در رده‌های مختلف، صدور کارت‌ها، ثبت قراردادها، رسیدگی به امور باشگاه‌ها، کلاس‌های آموزشی و مراجعات روزانه، یکی از پرترددترین مجموعه‌های فوتبالی کشور محسوب می‌شود. طبیعی است که چنین مجموعه‌ای نیز به ساختمانی متناسب با حجم فعالیت‌های خود نیاز دارد؛ ساختمانی که از ابتدا برای این حجم از مراجعه‌کننده و این نوع خدمات طراحی شده باشد.

موضوع دیگری که نباید از آن غافل شد، محل استقرار این ساختمان‌هاست. ساختمان‌های فعلی فدراسیون فوتبال، سازمان لیگ و هیأت فوتبال استان تهران در نقاطی قرار دارند که از نظر دسترسی، فضای پارکینگ، تردد خودروها، حضور رسانه‌ها و حجم بالای مراجعان، با مشکلات متعددی روبه‌رو هستند. این مسأله بارها در زمان برگزاری نشست‌های خبری، جلسات مهم یا ثبت قراردادهای نقل‌وانتقالاتی خود را نشان داده است.

به همین دلیل، تصمیم برای ساخت ساختمان جدید فدراسیون فوتبال در مجموعه ورزشگاه آزادی، در صورت اجرایی شدن، می‌تواند یک اتفاق مثبت باشد. اگر در کنار آن ساختمانی مستقل و استاندارد نیز برای سازمان لیگ پیش‌بینی شود، بخش مهمی از مشکلات سال‌های اخیر برطرف خواهد شد. این مجموعه می‌تواند با پارکینگ مناسب، دسترسی بهتر، فضاهای رسانه‌ای استاندارد و امکانات اداری مدرن، پاسخگوی نیازهای فوتبال حرفه‌ای ایران باشد.

البته تجربه سال‌های گذشته باعث شده است که نسبت به این وعده‌ها احتیاط وجود داشته باشد. طی نزدیک به یک دهه گذشته، بارها از ساخت ساختمان جدید فدراسیون فوتبال صحبت شده، کلنگ‌زنی انجام شده، ماکت رونمایی شده و تفاهمنامه امضا شده، اما پروژه هر بار متوقف مانده است. به همین دلیل، این بار بیش از هر چیز باید اجرای پروژه با جدیت دنبال شود تا این طرح نیز به سرنوشت وعده‌های قبلی دچار نشود.

در واقع احداث ساختمان اختصاصی اقدامی در مسیر حرفه‌ای شدن مدیریت ورزش است. همان‌گونه که باشگاه‌های بزرگ دنیا، فدراسیون‌های معتبر و حتی هیأت‌های استانی در کشورهای توسعه‌یافته، ساختمان‌هایی متناسب با مأموریت خود دارند، فوتبال ایران نیز باید به سمت ایجاد زیرساخت‌هایی حرکت کند که از ابتدا برای همین منظور طراحی شده باشند.

مهم‌ترین دلیل شکست ندادن نیوزیلند همچنان در ابهام

فیفا یا فدراسیون فوتبال؛ چه کسی دیر تصمیم گرفت؟

صحبت‌های دیروز مهدی تاج درباره چرایی استقرار دیرهنگام تیم ملی در مکزیک، یک بار دیگر روند آماده‌سازی ایران برای جام جهانی ۲۰۲۶ را به صدر بحث‌ها آورد. رئیس فدراسیون فوتبال گفت اگر فیفا زودتر محل کمپ تیم ملی را اعلام می‌کرد، اردوی ترکیه برگزار نمی‌شد و کاروان ایران زودتر راهی مکزیک می‌شد تا بازیکنان فرصت بیشتری برای تطبیق با شرایط مسابقات داشته باشند. قبل از او امیر قلعه‌نویی گفته بود که تا دو هفته مانده به جام جهانی، کادرفنی نمی‌دانست باید در آمریکا مستقر شود یا مکزیک.

این دو اظهارنظر در کنار هم، تصویری از روزهای پایانی آماده‌سازی تیم ملی ترسیم می‌کند؛ اما بررسی گزارش رسانه‌های معتبر خارجی نشان می‌دهد ماجرا ابعاد دیگری هم داشته است.

خبرگزاری رویترز در ۲۳ مه ۲۰۲۶ گزارش داد که انتقال کمپ ایران از توسان آریزونا به تیخوانای مکزیک با درخواست فدراسیون فوتبال ایران انجام شد و فیفا پس از مذاکرات این درخواست را تأیید کرد. در همان گزارش مهدی تاج نیز اعلام کرده بود که پس از جلسات متعدد با مسئولان فیفا مجوز انتقال کمپ صادر شده است. دو روز بعد فیفا در فهرست نهایی کمپ‌های جام جهانی، تیخوانا را به‌عنوان محل رسمی استقرار تیم ملی ایران معرفی کرد و رویترز نوشت که این تصمیم با هدف کاهش مشکلات مربوط به ویزا و تردد میان مکزیک و آمریکا اتخاذ شده است.

نکته مهم‌تر اما به روند انتخاب کمپ‌ها برمی‌گردد. رسانه اسپانیایی «کادنا سر» در گزارشی نوشت که فرایند انتخاب کمپ‌های جام جهانی از سال ۲۰۲۴ آغاز شده بود و پس از قرعه‌کشی دسامبر ۲۰۲۵، تیم‌ها با توجه به محل مسابقات و ملاحظات لجستیکی، کمپ نهایی خود را انتخاب یا اصلاح کردند. به‌عبارت دیگر، انتخاب کمپ یک تصمیم چندروزه یا دو هفته‌ای نبود، بلکه بخشی از فرایندی بود که ماه‌ها ادامه داشت.

همین موضوع، پرسش مهمی را ایجاد می‌کند. اگر از ماه‌ها قبل مشخص بود که ورود کاروان ایران به آمریکا می‌تواند با مشکلات ویزا و محدودیت‌های سیاسی همراه باشد و حتی مذاکرات برای انتقال کمپ نیز در جریان بوده است، آیا امکان برنامه‌ریزی زودتر برای حضور در مکزیک و تیخوانا وجود نداشت؟

البته نباید نقش شرایط سیاسی را نادیده گرفت. جنگ، محدودیت‌های سفر و مسائل امنیتی، برنامه‌های اولیه فدراسیون را بهم ریخت. خبرگزاری آسوشیتدپرس نیز گزارش داد که تغییر محل کمپ به تیخوانا، علاوه بر مسائل امنیتی، به‌دلیل نگرانی از مشکلات ویزا انجام شد و امکانات این شهر به‌دلیل نزدیکی به لس‌آنجلس و مرز آمریکا، برای تیم ملی مناسب تشخیص داده شد.

با این حال، سؤال اصلی همچنان پابرجاست. آیا مشکل فقط این بود که فیفا محل کمپ ما را دیر اعلام کرد یا اینکه فدراسیون می‌توانست همزمان با مذاکرات، سناریوی استقرار زودهنگام در مکزیک را نیز آماده کند؟

اظهارات دیروز تاج و قلعه‌نویی، بیش از آنکه پاسخ نهایی باشند، یک واقعیت را آشکار می‌کنند؛ تیم ملی در روزهای منتهی به جام جهانی با بلاتکلیفی روبه‌رو بوده است. بلاتکلیفی که باعث شد تا نتیجه بازی با نیوزیلند به‌زعم اعضای کادرفنی تیم ملی ایران تحت تأثیر سفر دیرهنگام به مکزیک و عدم تطبیق‌پذیری کافی بازیکنان با محیط جدید قرار بگیرد.

نگاه

مجید جلالی
کارشناس فوتبال

فرانسه چگونه شکست خورد؟

فرانسه نماد مدیریت نتیجه‌محور بود. آنها در طول سال‌ها با مدیریت منابع انسانی مطلوب توانستند بازیکنان بزرگی را تربیت کنند و با آنها به موفقیت برسند اما وفاداری مطلق به این شیوه منجربه پایداری طولانی‌مدت در یک مدل مدیریتی شد. اینجاست که تداوم، تبدیل به مانعی برای پیشرفت می‌شود. اینجا مشکل در کیفیت منابع انسانی نبود، بلکه مشکل اصلی در عدم انعطاف در مدل مدیریتی بود. در حالی که رقیبان به چگونگی شکست دادن‌شان فکر می‌کردند، آنها در زندان ایده‌های موفق گذشته خود گرفتار شده بودند. معمولاً در چنین حالتی سیستم در برابر هرگونه تغییری مقاومت می‌کند و فقط شکست‌های غیرقابل باور آنها را از زندان خودساخته ذهنی خود خارج می‌کند. فرانسه بهترین تیم جهان از نظر مهارت‌های فردی بازیکنان بود. این مدل در ۸سال گذشته موفقیت‌هایی برای آنها به ارمغان آورد اما اسپانیا درس‌های بزرگی به فرانسه و مخصوصاً فوتبال جهان داد. آنها ایده‌های تازه‌ای به جهان نشان دادند، اینکه در کنار مدیریت منابع انسانی حتماً باید به مدل‌های بازی نیز توجه کرد. تلفیق این دو (مهارت‌های فرد و مدل بازی) دکترین جدیدی است که اتاق‌های فکر در فدراسیون کشورها و البته باشگاه‌های معتبر دنیا دنبال خواهند کرد. استراتژی‌های موفق دیروز جوابگوی رقابت‌های امروز نیست و اینجاست که تبدیل شدن برند قهرمان به برند مغلوب ثابت می‌کند که زمان تغییر فرا رسیده است.

نقد

واکاوی دفاعیه جدید قلعه نویی درباره ناکامی در جام جهانی

فوتبال هیچ، فقط واگویه مشکلات!

صحبت‌های دیروز امیر قلعه‌نویی، بیش از آنکه یک نشست فنی درباره عملکرد تیم ملی در جام جهانی باشد، روایت سرمربی از روزهای پرالتهاب قبل از این مسابقات بود؛ روایتی که در آن، تاکتیک، ترکیب و مسائل فنی کمتر دیده می‌شد و در مقابل، موضوعاتی مانند ویزا، محل استقرار، پرواز، کمپ، سفر به مکزیک و حتی نوع صندلی هواپیما، بخش عمده صحبت‌های سرمربی را به خود اختصاص داد.

همین مسأله شاید مهم‌ترین پیام این نشست باشد؛ اینکه تیم ملی ایران پیش از آنکه با حریفانش بجنگد، مجبور بود با مشکلات مدیریتی و اجرایی دست‌وپنجه نرم کند.

مهم‌ترین جمله قلعه‌نویی، اعتراف به بلاتکلیفی محل استقرار تیم ملی بود؛ اینکه تنها دو هفته مانده به آغاز جام جهانی مشخص شد کاروان ایران باید در تیخوانای مکزیک مستقر شود. این جمله بیش از هر انتقاد بیرونی، نشان می‌دهد روند آماده‌سازی تیم ملی تا چه اندازه تحت تأثیر شرایط خارج از زمین قرار گرفته بود.

البته نمی‌توان نقش شرایط سیاسی و محدودیت‌های ناشی از جنگ را نادیده گرفت. لغو بازی‌های دوستانه، مشکلات سفر و محدودیت‌های ورود به آمریکا واقعیت‌هایی بودند که بسیاری از برنامه‌های فدراسیون را تحت تأثیر قرار دادند. اما همین واقعیت، یک سؤال جدی ایجاد می‌کند؛ آیا با توجه به قابل پیش‌بینی بودن این محدودیت‌ها، نمی‌شد از ماه‌ها قبل سناریوی جایگزین را نهایی کرد؟

قلعه‌نویی در بخش دیگری از صحبت‌هایش تأکید کرد که قصد ندارد با «فرار رو به جلو» مسئولیت را از دوش خود بردارد. این جمله، در ظاهر پذیرش مسئولیت است، اما در عمل، بخش زیادی از نشست او صرف بیان مشکلاتی شد که مستقیماً به حوزه مدیریت و برنامه‌ریزی مربوط می‌شد. در واقع، سرمربی بدون آنکه مستقیماً فدراسیون را مقصر بداند، تصویری ارائه کرد که خود به خود پرسش‌هایی درباره کیفیت برنامه‌ریزی ایجاد می‌کند.

از سوی دیگر، دفاع چندباره او از مهدی تاج و هیأت‌رئیسه نیز قابل توجه بود. این دفاع نشان می‌دهد قلعه‌نویی تلاش کرده اختلافی میان کادرفنی و مدیران فدراسیون شکل نگیرد؛ موضوعی که شاید در کوتاه‌مدت به حفظ آرامش کمک کند، اما در بلندمدت نباید مانع آسیب‌شناسی دقیق جام جهانی شود. اگر قرار باشد همه مشکلات صرفاً به شرایط جنگ یا مسائل سیاسی نسبت داده شود، فرصت اصلاح ضعف‌های مدیریتی از بین خواهد رفت.

بخش دیگری از نشست به پاسخ دادن به منتقدان اختصاص داشت؛ از انتقاد نسبت به سعید الهویی گرفته تا واکنش به اظهارنظرهایی درباره محبوبیت تیم ملی. این بخش نشان داد قلعه‌نویی همچنان نسبت به فضای رسانه‌ای حساس است و تلاش دارد از عملکرد کادرفنی دفاع کند. با این حال، شاید انتظار می‌رفت پس از پایان جام جهانی، تمرکز بیشتری بر آینده تیم ملی، برنامه چهار سال آینده و درس‌هایی که از این تورنمنت گرفته شده، وجود داشته باشد.

در نهایت، نشست دیروز و حرف‌های قلعه‌نویی یک پیام روشن داشت؛ تیم ملی ایران در جام جهانی فقط با رقبای خود روبه‌رو نبود، بلکه با مجموعه‌ای از مشکلات خارج از زمین نیز مبارزه می‌کرد. اما پذیرش این واقعیت، نباید باعث شود از یک پرسش مهم عبور کنیم؛ اگر همه این مشکلات از قبل قابل پیش‌بینی بودند، آیا نمی‌شد برای آنها برنامه دقیق‌تر و آماده‌تری داشت؟

شاید پاسخ به همین سؤال، مهم‌تر از هر دفاع یا انتقادی باشد؛ زیرا موفقیت در جام جهانی آینده، نه‌فقط به کیفیت بازیکنان و تصمیمات فنی، بلکه به کیفیت مدیریت ماه‌ها و حتی سال‌های قبل از شروع مسابقات وابسته است.